[381] 3: 280، ومفيد در ارشاد: 224، وخوارزمي در مقتل: 231، ونيز در بحار 44: 376 آورده اند. 13 - اين خطبه را طبري در تاريخش 7: 300، وابن اثير در كاملش 3: 280، وخوارزمي در مقتلش 1: 234، ونيز در انساب الاشراف 3: 171 نقل كرده اند. می گويم: اين خطبه را خوارزمی بعنوان نامه آن حضرت به سران كوفه نقل كرده است. 14 - اين خطبه را سيد بن طاووس در لهوف: 34، واربلی در كشف الغمة: 2: 32 آورده اند، از آنها در بحار 44: 381 نقل می كند. ابن شهر آشوب اين خطبه را در مناقب آل ابی طالب 4: 100 آورده، از آن در بحار 44: 192 نقل می كند. حرانی در تحف العقول: 245 با اختلافي آنرا ذكر می كند، از آن در بحار 78: 116 آمده است. اين خطبه به اين لفظ والفاظ ديگر در اين مصادر آمده است: خوارزمی در مقتل الحسين (عليه السلام) 2: 3، ذهبي درتاريخ الاسلام 2: 345، ودر سير اعلام النبلاء 3: 209، وطبری در ذخائر العقبى: 149، و زبيدي در الاتحاف 10: 320، ابن عبدربه در العقد الفريد 2: 218، طبري در تاريخ الامم والملوك 4: 305، أبو نعيم در حلية الاولياء 2: 39، طبراني در المعجم الكبير: 146 (مخطوط)، ابن عساكر در تاريخ دمشق (بر اساس

_____